



Volume 3, Issue 5, 2024

The Causes of Legislative Criminal Inflation and the Challenges Arising from it

Farajollah Dolatshahinejad ¹, Samira Golkhandan ^{2*}, Mohammad Hossein Rajabiye ³

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages :97-122

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000- 0002 -3926 -7971

TELL: +98 8646337801

Email: s.golkhandan@gmail.com

Article history:

Received: 26 Jul 2023

Revised: 05 Oct 2023

Accepted: 20 Dec 2023

Published online: 20 Feb 2024

Keywords:

*Criminal Inflation,
Criminalization,
Decriminalization,
Legislative Inflation.*

ABSTRACT

The involvement of criminal law in establishing order in any society is essential. However, excessive intervention has led to criminal inflation, and this causes the judicial system of the country to face important problems, including a negative impact on judicial justice. The purpose of this article is to investigate the causes of legal criminal inflation in Iran and the challenges arising from it. The research method is descriptive and analytical and this research is theoretical. The method that has been used to collect information is in the form of a library and it has been done by referring to books and articles. Lack of a coherent criminal policy, multiplicity of legislative authorities, lack of attention to customs and collective conscience, mixing of the border between wrongdoing and crime, unfavorable economic conditions, extreme criminalization and traditional approach in criminalization are the most important causes of legislative criminal inflation in Iran. Prohibition of the role of the country's legislative authorities, other than the Islamic Council, from legislating in the criminal field, increasing the technical and technical burden of the Islamic Council in establishing criminal rules, paying attention to the important principles of criminalization such as the principle of necessity, paying attention to social conscience in criminalization, Paying special attention to social prevention and applying a set of decriminalization policies in different dimensions are the basic solutions to face the challenges caused by criminal inflation.



This is an open access article under the CC BY license. © 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Dolatshahinejad, F; Golkhandan, S & Rajabiye, MH (2024). "The Causes of Legislative Criminal Inflation and the Challenges Arising from it" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 97-122.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

علل تورم کیفری تقنینی در ایران و چالش‌های ناشی از آن

فرح‌اله دولتشاهی نژاد^۱، سمیرا گلخندان^{۲*}، محمدحسین رجبیه^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (نویسنده مسؤول).
۳. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

چکیده

دخالت حقوق کیفری در برقراری نظم در هر جامعه‌ای امری ضروری است؛ لیکن مداخله بیش از حد، منجر به تورم کیفری شده و همین امر نظام قضایی کشور را با مشکلات مهمی از جمله تأثیر منفی بر عدالت قضایی مواجه می‌سازد. هدف مقاله حاضر بررسی علل تورم کیفری تقنینی در ایران و چالش‌های ناشی از آن است. روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی بوده و این تحقیق از نوع نظری می‌باشد. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است، به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به کتب و مقالات و داخلی صورت گرفته است. فقدان یک سیاست جنایی منسجم، تعدد مراجع قانون‌گذاری، عدم توجه به عرف و وجدان جمعی، اختلاط مرز خلاف و جرم، شرایط نامساعد اقتصادی، جرم‌انگاری افراطی و رویکرد سنتی در جرم‌انگاری از مهم‌ترین علل تورم کیفری تقنینی در ایران است. منع نقش مراجع تقنینی کشور، غیر از مجلس شورای اسلامی از قانون‌گذاری در حوزه کیفری، بالا بردن بار فنی و تکنیکی قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی در وضع قواعد کیفری، توجه به اصول مهم جرم‌انگاری مانند اصل ضرورت، توجه به وجدان اجتماعی در جرم‌انگاری، توجه خاص به پیشگیری اجتماعی و اعمال مجموعه سیاست‌های کیفرزدایی در ابعاد مختلف، راهکارهای اساسی مواجهه با چالش‌های ناشی از تورم کیفری هستند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۷-۱۲۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۹۷۱-۳۹۲۶-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۸۶۴۶۳۳۷۸۰۱

ایمیل: s.golkhandan@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

تورم کیفری، جرم‌انگاری، جرم‌زدایی، تورم تقنینی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

تورم حقوق کیفری برای جامعه اسلامی ایران که در آن اصل بر همزیستی مسالمت‌آمیز و تعاون و گذشت و برابری و برادری است؛ خود یک چالش مهم محسوب می‌شود. تورم کیفری در ایران به حدی است که قانون‌گذار برای تنظیم بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین روابط اجتماعی از جمله حقوق خانواده، به حقوق کیفری متوسل شده است. در وضعیت معمولی و عادی یک جامعه، میزان دخالت حقوق کیفری در مسائل جامعه تا میزان مشخصی هم لازم و هم مورد قبول است. دخالت بیش از حد حقوق کیفری در مسائل جامعه باعث ایجاد وضعیت تورم کیفری می‌گردد. تورم قوانین کیفری موجب تورم سایر نهادهای حقوق کیفری از قبیل دادگاه‌های کیفری، زندان‌ها، اصحاب کیفری و غیره می‌گردد. تورم کیفری می‌تواند آثار ناگواری در حوزه‌های مختلف در پی داشته باشد. تورم کیفری سبب تراکم کار دادگاه‌ها، تورم جمعیت کیفری، نارضایتی عمومی از طولانی بودن فرایند رسیدگی و رفتار قضایی، دیوان‌سالاری قضایی، عدم رضایت عمومی ارباب‌رجوع و مراجعان از عملکرد محاکم، پرهزینه بودن عدالت کیفری، گران بودن خدمات پیرا قضایی مانند: کارشناسی و وکالت برای اصحاب دعوی، سرگردانی مردم در فرایندهای رسیدگی قضایی که ناشی از پیچیدگی دستگاه قضایی می‌باشد و ضعف نظام کیفری در مبارزه با بزهکاری گردیده است. در خصوص تورم تقنینی پژوهش‌های محدودی انجام شده است: رحیم نوبهار، در مقاله‌ای به بررسی اصل کاربرد کمیته حقوق کیفری پرداخته است (نوبهار، ۱۳۹۰). ایوب میلیکی نیز، در مقاله‌ای، حبس‌زدایی خردگرا به عنوان راهکار خروج از بحران تورم کیفری بحث کرده است (میلیکی، ۱۳۸۵). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که در مقاله پیش رو به بررسی علل تورم کیفری تقنینی در ایران و چالش‌های ناشی از آن پرداخته می‌شود. هدف مقاله بررسی این سؤال مهم است که علل تورم کیفری تقنینی در ایران چیست و چالش‌های ناشی از آن کدام است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا علل و در ادامه چالش‌های تورم کیفری تقنینی مورد بحث قرار گرفته است.

از روز اول زندگی بشر، بخشی از آن، کیفری بوده است. نافرمانی از امر خداوند توسط حضرت آدم و همچنین قتل‌هاییل توسط برادرش، به عنوان اولین نمونه‌های جنبه کیفری حیات بشری می‌باشند. امروزه زندگی اجتماعی بدون وجود جنبه‌های کیفری تحت هیچ شرایطی امکان پذیر نیست. جرم‌انگاری یک سری از رفتارها و ایجاد تشکیلات و تأسیساتی برای مقابله با جرایم و رسیدگی به جرایم، جز لاینفک هر اجتماعی است. آنچه که در عالم حقوق کیفری رایج است، این است که تورم را به اعتبار افزایش جرایم در قانون به کار می‌برند. «تصویب بدون ضرورت مقررات کیفری و قطور نمودن بی‌رویه مجموعه قوانین جزایی با جرم‌انگاری جدید را تورم قوانین کیفری می‌گویند» (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۰، ۶۰). درست است که رایج‌ترین و شایع‌ترین شکل تورم کیفری، در قالب تورم جرم‌انگاری و به صورت تصویب قوانین و مقررات کیفری صورت می‌پذیرد. لیکن مفهوم «تورم کیفری» فراتر از «تورم قوانین کیفری» مطرح است، هر گونه عامل با وصف کیفری چه به صورت شکلی، چه به صورت ماهوی و چه به صورتی ساختاری می‌تواند منجر به تورم کیفری شود.

منظور از تورم کیفری تقنینی این است که رفتارهای متعدد و متنوعی توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شود. تورم کیفری تقنینی در واقع همان جرم‌انگاری بیش‌از حد است. هرچه تعداد رفتارهای جرم‌انگاری شده در یک نظام حقوق کیفری بیشتر باشد، شاهد تورم کیفری قوانین در آن کشور هستیم. آمار فزاینده جرایم در عرصه‌های مختلف اعم از اقتصادی، راهنمایی و رانندگی، زیست محیطی و غیره از نشانه‌های تورک تقنینی کیفری هستند. امروزه کمتر مقوله‌ای از حقوق را می‌توانیم بیابیم که حقوق کیفری در مقام تقنین به آن ورود پیدا نکرده باشد و جرم‌انگاری در آن صورت نگرفته باشد. حقوق قراردادهای به عنوان مصداق بارز حقوق خصوصی، امروز بر اثر جرم‌انگاری در شرایطی وارد حوزه حقوق کیفری شده است. تورم کیفری تقنینی به مفهوم جرم‌انگاری بیش از حد رفتارها در یک جامعه است که به احتمال زیاد این تورم به مراحل دیگر نیز سرایت کرده و منجر به تورم کیفری قضایی و تورم جمعیت کیفری نیز خواهد شد.

۱- علل تورم کیفری تقنینی

تورم کیفری تقنینی ریشه در رفتار قانونگذار دارد و قانونگذار به دلایل متعددی ممکن است به تصویب قوانین کیفری و در نتیجه تورم کیفری تقنینی گرایش داشته باشد و این امر ریشه در علل مختلفی دارد.

۱-۱- فقدان یک سیاست جنایی منسجم

به نظر نگارنده، مهم‌ترین دلیل ایجاد و به تبع آن رشد و توسعه تورم کیفری، فقدان یک سیاست جنایی منسجم به مفهوم واقعی آن در نظام حقوقی یک کشور است. به عبارت دیگر، تورم کیفری از خلأ فقدان چنین سیاست تدوین شده‌ای است که می‌تواند رشد کند. در یک سیاست جنایی منسجم، مقنن اجازه ورود هر لحظه‌ای را به حوزه حقوق کیفری ندارد، زیرا سیاست جنایی تعریف شده قبلی، حد و حدود و قلمرو و مرز دخالت حقوق کیفری را مشخص کرده است. فقدان یک سیاست جنایی منسجم با خصوصیات ذیل، اولین و مهم‌ترین عامل در ایجاد تورم کیفری در یک نظام حقوقی است.

۱-۲- تعدد مراجع قانون‌گذاری

یکی از مهم‌ترین علل تورم کیفری تقنینی در ایران، وجود مراجع متعدد قانون‌گذاری در عرض یکدیگر است که منجر به تصویب قوانین و مقررات مختلف می‌گردد به قول لرد آلکن «قدرت فاسد می‌کند، قدرت مطلق، فاسد می‌کند» (قاضی، ۱۳۸۰: ۲۹۴). منتسکیو، تفکیک قوا را ضامن سلامتی هیأت حاکمه دانسته است و قائل است: «دستگاه‌ها طوری تنظیم و تنسيق گردند که قدرت، قدرت را متوقف کند و ضابطه این تفکیک، قانون است» (منتسکیو، ۱۳۹۴: ۷۷۲).

«تورم مراجع قانون‌گذاری در ایران در سال‌های اخیر، امری معمول شده است و مراجعی چون شورای نگهبان، هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوه مجریه، قضاییه، و شورای عالی امنیت ملی و... به تدوین قانون پرداخته است که می‌توان با قطع و یقین گفت که یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث تورم قوانین کیفری در کشور ما شده است. رأی وحدت رویه اولاً، با حق انحصاری قانون‌گذاری منافات دارد و در تعارض با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست» (حبیب‌زاده و توحیدی‌فر، ۱۳۸۶:

۱۴۶) در حالیکه «برخی از آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور در واقع یک نوع جرم‌انگاری است» (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۴۴). «همچنین دخالت شورای نگهبان در این قلمرو، باعث تعدد مراجع قانون‌گذاری و تحدید فضای آزاد و فناوری شهروندان خواهد شد که بدون شک خلاف معیارها و موازین قانون اساسی است» (هاشمی، ۱۳۸۲: ۲۲۵). قانون اساسی حق قانون‌گذاری به مجمع نداده است (مهرپور، ۱۳۷۴: ۳۳). «در نتیجه اصل قانونمندی در کشور ما در پرتو چنین رویکردی از خاستگاه خود خروج موضوعی کرده است و چنین مراجعی در آن دخالت می‌کنند» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۸: ۲۶).

«در نظام جنایی ایران، به غیر از مجلس شورای اسلامی، مراجع متعدد هم‌چون شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون‌های داخلی مجلس و هیأت دولت پیش‌بینی شده است. نگرش منطقی به این مراجع گویای این است که سیاست جنایی ایران در این حوزه چگونه با بحران تورم قوانین کیفری روبه‌رو است. تعدد مراجع قانون‌گذاری، گستردگی قوانین را نیز در پی دارد و حجم زیاد قوانین مورد استناد در دادرسی، نه تنها قضات و تصمیم‌گیرندگان قضایی را با اشکال مواجه می‌کند، بلکه سبب انحراف عدالت می‌شود. تعارض زمانی زیاد می‌شود که این نهادها از انسجام و ارتباط لازم به‌دور مانده که در این صورت تعارض قوانین ناسخ و مشابه را به دنبال خواهد کرد. در این مقطع، پرسش این است: قانون حاکم کدام است؟» (کلانتری، ۱۳۸۱، ۶۲). «بدین ترتیب، حجم و گستردگی قوانین مصوب، آن‌چنان وسیع می‌شود که نه تنها مراجع قضایی، بلکه جامعه علمی و دانشگاهی را نیز در اشراف به قوانین موضوعه و تعیین قانون حاکم به چالش می‌کشد که نتیجه این بحران، موجبات سواستفاده ابزاری از قوانین را مهیا می‌کند و حقوق متهمین، بزه‌دیدگان و سایر شهروندان را به خطر می‌اندازد» (نجفی‌توانا، ۱۳۸۶: ۸).

۱-۳- عدم توجه به عرف و وجدان جمعی

نادیده گرفتن عرف و وجدان جمعی توسط مقنن و وضع مقررات کیفری که برخلاف عرف و وجدان جمعی جامعه

اعمال کاهش می‌یابد، به‌نحوی که جامعه دیگر نسبت به این موضوع حساسیتی نشان نخواهد داد و نیز موجی از بی‌اعتمادی میان شهروندان و کنشگران نظام عدالت کیفری حاصل خواهد شد که معمولاً این عدم رعایت قوانین کیفری و نیز ناتوانی دستگاه‌های کیفری در مقابله با چنین اعمالی، منجر به ازدیاد قوانین کیفری متروک می‌گردد» (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۱)

«می‌توان گفت که صرفاً سیاست جنایی تقنینی ایران براساس برداشتهای انتزاعی از مفهوم جرم و مجازات، از آغاز انقلاب تاکنون با جرم‌انگاری‌های افراطی نه‌تنها نظام عدالت را با بحران تورم کیفری مواجه کرده است، بلکه با تجاوز به حقوق و آزادی‌های فردی، زمینه نارضایتی و بی‌اعتمادی جامعه به عملکرد واضعان سیاست جنایی را نیز مهیا کرده است» (نجفی‌توانا، ۱۳۸۶، ۱۵).

۱-۵- رویکرد سنتی و غیرنویس به جرم‌انگاری

در مورد مبنای جرم‌انگاری اعمال در جامعه ابتدا باید گفت که لزوماً تمامی افعال ضدهنجارهای اجتماعی عنوان جرم را بر خود نمی‌بینند. در توضیح این موضوع باید اضافه کرد که درجه تخریبی این افعال نسبت به جامعه باید به‌حدی باشد که نظم و آرامش عمومی را به‌طور جدی مختل کند. به‌عنوان مثال: قبح عمل عبور از چراغ قرمز یا برخورد نامناسب کارمند دولت با مراجعان به حدی نیست که قانونگذار برای منع فرد خاطی از چنین اعمال متوسل به مجازات کیفری شود.

«اولین و مهم‌ترین قاعده در احتساب عمل خاصی به‌عنوان جرم، درج این موضوع در قوانین و مقررات موضوعه است. اصل قانون بودن جرم از جمله اصول اولیه و بنیادین حقوق کیفری است. طبق این اصل، تعیین عمل مجرمانه باید ضرورتاً در چارچوب قانون باشد؛ یعنی ابتدا باید عمل موردنظر در قالب مقرر قانونی تدوین و تصویب شود. این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا با توجه به حساسیت موضوع و وجود مجازات در مقابل چنین عملی، مجازات افراد قبل از آگاهی از وجود یک جرم در جامعه خلاف عدالت است. در موازین فقهی نیز این موضوع مورد تأکید قرار گرفته است. در حقیقت به‌موجب احکام فقهی، مواخذه کیفری شخص قبل

باشد، منجر به وضع قوانین کیفری می‌گردد که ممکن است هیچ‌گاه رعایت نگردند. یعنی توری از قوانین کیفری ایجاد شود که توسط جامعه به اجرا نیز گذاشته نمی‌شوند. اگر تورم قوانین کیفری که اجرا می‌گردند قابل پذیرش باشد، انبوهی از قوانین کیفری که جامعه آنها را به هیچ‌وجه نمی‌پذیرد، قابل پذیرش نیست. عدم توجه مقنن ایران به عرف و وجدان جمعی منجر به وضع قوانین کیفری و جرم‌انگاری‌هایی شده است که فقط به تورم قوانین کیفری افزوده است، بدون اینکه قانون تصویب شده توسط مردم رعایت شود. قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای و جرم‌انگاری صورت گرفته در آن نمونه بارزی از این قوانین است.

۱-۴- جرم‌انگاری افراطی

تورم کیفری زمانی اتفاق می‌افتد که جرم‌انگاری به صورت افراطی وجود داشته باشد. تورم کیفری مانع قضازدایی است. در جرم‌انگاری افراطی جامعه به سمتی می‌رود که هر رفتاری ناقض ارزش‌ها بلافاصله با مجازات رو به‌رو شود. «اگر عملکرد سیاست جنایی تقنینی با عنوان جرم‌انگاری، از حدود متعارف و نرمال خود خارج گردد و دامنه مداخله و پیشروی حقوق کیفری را در رفتارها و اعمال مباح انسانی گسترش دهد و درواقع منطقه آزاد رفتاری را محدود و منطقه کنترل شده رفتاری را وسعت بخشد، به نوعی جرم‌انگاری افراطی مبتال خواهد گشت که می‌تواند به عنوان یکی از عوامل بحران در سیاست جنایی معرفی گردد» (نجفی‌توانا، ۱۳۸۶، ۱۴).

«سیاست جنایی از ورای زاویه دید امنیت‌گرایی، به‌کنترل گسترده رفتارهای اجتماعی از رهگذر جرم‌انگاری حداکثری و افراطی می‌پردازد و به‌بهانه تأمین امنیت و بازگرداندن آرامش روحی و روانی شهروندان، آنچه را که به‌عنوان ارزش غیرقابل دفاع جامعه بشری معرفی شده است را مجرمانه تلقی می‌کند و با پاسخ‌های کیفری و دولتی، معمولاً جامعه را با نوعی سردرگمی در تشخیص مصلحتها و مبانی ارزشی خود رو به‌رو می‌سازد. جرم‌انگاری افراطی منجر به تورم کیفری و پراکندگی قوانین در این حوزه می‌گردد که به‌جهت عدم اعتنای افراد انسانی به این جرم‌انگاری، رفته‌رفته قبح این

(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ۲۴). به قول دلماس مارتی جرم به معنای تجاوز از نرماتیوتیه، مفهومی است به‌گونه دقیقی قابل تحدید و تعیین، در حالیکه انحراف به معنای تجاوز از نرمالیه، متضمن یک حالت مستمر و مبهم است که به‌آسانی قابل تحدید و تشخیص نمی‌باشد (دلماس مارتی، ۱۳۹۳، ۱۶۷). در سیاست جنایی اسلام، جرم و انحراف از هم جدا نیستند (حسینی، ۱۳۹۴، ۲۲۷). و این امر به‌مداخلات بیشینه حقوق کیفی کمک زیادی کرده است.

۱-۷- معضلات اقتصادی

وضعیت نامطلوب اقتصادی که ممکن است بر اثر تحریم یا شرایطی همچون جنگ پدیدار شود، منجر به تصویب پاره‌ای از قوانین کیفی می‌گردد. در جنگ عراق علیه ایران، دولت ایران به‌علت کمبود مواد غذایی، ناگزیر به جیره‌بندی ارزاق عمومی شد و برای اشخاص کالابرگ‌های دریافت کالاهای اساسی صادر کرد. چنین رویکردی باعث ایجاد بازار سیاه شد، که نهایتاً دولت برای مقابله با این وضعیت قانون منع خرید و فروش کالابرگ‌های اساسی را در ۶۷/۱۸/۲۳ به تصویب رسانید که این قانون همچنان به‌قوت خود باقی است. بنابراین در شرایط نامطلوب اقتصادی اصولاً جرم‌انگاری حدت و شدت بیشتری به‌خود می‌گیرد؛ چرا که آسانترین شیوه برای کنترل وضعیت‌های بحرانی، جرم قانون کیفی است.

۲- چالش‌های ناشی از تورم کیفی تقنینی

تورم کیفی تقنینی در یک نظام حقوقی، برای آن نظام معضلات و مشکلاتی را ایجاد می‌کند که برخی از این معضلات به‌حدی هستند که به‌یک چالش تبدیل می‌شوند. در این شماره به‌بیان چالش‌های تورم کیفی تقنینی می‌پردازیم.

۱-۲- زیستن در محیط کیفی

تصور جامعه‌ای که بخش مهمی از رفتارها در آن توسط مقنن جرم‌انگاری شده است و اشخاص همیشه باید مراقب و مواظب باشند تا مرتکب جرمی نگردند، بسیار سخت و دشوار است. وظیفه حقوق تسهیل جریان زندگی به‌طور کلی و نظم بخشیدن به آن است و در این بین حقوق کیفی هم وظایفی را بر عهده دارد. حدوث تورم کیفی از طریق جرم‌انگاری‌های بیش از حد قانونگذار که منجر به تورم کیفی می‌شود، محیط

از آنکه عمل وی به‌عنوان جرم معرفی شود، قبیح است» (قناد و اکبری، ۱۳۹۶، ۴۲).

«از لحاظ ماهوی سیاق جملات در مورد اعلام عمل مجرمانه خاص باید جامع، شفاف و به‌دور از هرگونه ابهام باشد. به‌عنوان مثال ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ اشاره کرده که هر کس به‌صورت علنی در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به‌عمل حرامی کند، علاوه بر کیفر عمل به‌حسب از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار کند، فقط به‌حسب از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در این زمینه باید به‌طور روشن مشخص می‌شد که ماده فوق دقیقاً در مقام بیان چه نوع افعالی است. در واقع باید در نگارش مواد قانونی به‌خصوص مواد جزایی از درج عبارات کلی و مبهم خودداری شود» (نجفی‌توانا، ۱۳۸۶: ۱۱).

«در ایران به توجه به اینکه تلاش‌های زیادی از جانب پاره‌ای از حقوق‌دانان و جرم‌شناسان صورت گرفته است، تاکنون هیچ پژوهش قابل استنادی در باب اثر سنجی مثبت یا منفی مجازات‌ها بر بزه‌کار و نقش آن در تهییج افکار عمومی انجام‌نشده است؛ و از این نظر، واضعان سیاست جنایی تقنینی ما هم‌چنان در هاله‌ای از تصورات ذهنی محصور مانده‌اند و نمی‌دانند که پیش‌بینی مجازات‌های سنتی زندان و شلاق تا چه حد دارای مقبولیت یا نفرت عمومی است. بنابراین، قانونی که بر چنین مبنای ضعیفی وضع شود، زیاد دوام نخواهد آورد و سیاست جنایی را دچار سرگردانی می‌کند» (نوربها، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

۱-۶- اختلاط مرز خلاف و جرم

«رفتارهای معارض شهروندان با ارزش‌های جامعه با توجه به‌مفاهیم هنجارمندی و بهنجاری به‌دو دسته جرم و خلاف و انحراف تقسیم می‌شود. روش‌های مقابله با انحراف، خارج از حقوق کیفی، پاسخ باید داده می‌شود» (گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۳۵۳) و «انحراف نقض هنجاری است که صرفاً با تقیب اجتماعی و ملامت اخلاقی و اجتماعی پاسخ داده می‌شود

به‌عنوان نمونه صرف جرم‌انگاری با استناد به‌قانون اساسی کافی نخواهد بود. «اگر در قانون اساسی بحث از مسؤولیت دولت به‌نسبت رفاه و سلامت مردم شده است، اگرچه رفاه و سلامت و تحقق آن، جزو مهم‌ترین مسائل جامعه است، اما این بدان معنا نیست که این امر جرم‌انگاری را توجیه می‌کند و باید دقت کرد که از طریق چه مکانیزمی می‌توان این امر را محقق کرد و در چه صورتی حقوق کیفری باید از این ارزش اساسی حمایت کند و ورود آن به‌این قلمرو، همراه با چه توجیهاتی است؟ اگر قانون‌گذار بخواهد به‌خاطر حفظ سلامت عمومی، استفاده از اتومبیل‌های آلوده‌کننده محیط زیست را با این توجیه جرم‌انگاری نماید و اینکه این نفع به جامعه خواهد رسید که سلامت آنان بهتر حفظ خواهد شد، توجیه این ممنوعیت نمی‌تواند به‌سادگی صورت پذیرد. چه بسا حقوقی که در سایه جرم‌انگاری‌های بی‌دلیل مقنن از بین رفته است. ایجاد ممنوعیت در دسترسی به‌اطلاعات از طریق جرم‌انگاری‌های صورت گرفته، چه بسیار حقوق اشخاصی را که حق دسترسی به آنها را داشته‌اند، ضایع کرده است.

۲-۳- تورم کیفری تقنینی مانع عدالت

چالش دیگری که ناشی از تورم کیفری تقنینی است این است که وجود قوانین کیفری متورم مانعی برای تحقق عدالت است. گاه بیان می‌شود جرم‌انگاری باید در جهت اجرا و تحقق عدالت باشد و این امر باعث شده است که جرم‌انگاری بسیاری از اعمالی که در قانون جزایی آمده است، هم با تفسیری از عادلانه بودن و هم با برداشتی از غیرعادلانه بودن همراه شود. بدیهی است به‌علت کلی بودن مفهوم عدالت و بدون پیوند آن با مفهوم حقوق و آزادی‌های فردی و مطرح کردن آن در بستر و فضای اجتماع، نتوان به‌نتیجه‌ای چون موجه بودن جرم‌انگاری در فضای جامعه دست یافت. این موضوع مستلزم بیان مفهوم عدالت و چگونگی و چرایی دخالت در حقوق فرد است.

در برخی رویکردها، عدالت چنان مفهومی است که ما مدام در حال حرکت به‌سوی آن هستیم و امر عادلانه با تطبیق بر مفاهیم خارج از جامعه ارزیابی می‌شود. این مسأله، محدودیت و یا آزادی در برخی اعمال را با این تردید روبه‌رو می‌کند که

زندگی اشخاص آن جامعه را به‌یک محیط کیفری تبدیل می‌نماید. «قانون‌گذاری و تقنین، خود بر پایه نیاز شکل گرفته است و به تبع، نیاز به دخالت حقوق کیفری، در حوزه‌ای محدودتر، در چارچوب ضرورت خواهد بود» (فلاحی، ۱۳۹۳: ۴۶). در جامعه «نباید جرم‌انگاری کرد، مگر این که دخالت، ضرورت داشته باشد و در ثانی، این دخالت بر اساس مبنای و اصول بوده و همچنین مؤثر باشد» (فلچر، ۱۹۹۸: ۲۵۱). زدودن جنبه کیفری از جامعه «بیش از آنکه یک وظیفه قانونی باشد، تکلیفی اخلاقی است» (جاربرگ، ۲۰۰۹: ۵۲۶). بدین معنا که اگر قانون‌گذار آن را مورد توجه قرار ندهد، اخلاق قانون‌گذاری را رعایت نکرده است.

۲-۲- تورم کیفری تقنینی مانع حق

«تورم کیفری تقنینی در تعارض صریح با مفهوم حق است. هر شخص دارای ارزش انسانی می‌باشد و در همین راستا بیان شده است ایده حق، یعنی قائل شدن ارزش بی‌قید و شرط برای وجود هر شخص» (راسخ، ۱۳۸۸: ۳۱۷). این مفهوم در عین حال که «قدرتمند است، مبهم نیز می‌باشد» (دورکین، ۲۰۱۱: ۱۹۹). «برخی از محدودیت‌هایی را که بر حقوق انسان وارد می‌شود این‌گونه بیان کرد که الزامات علم و فن و نیز مسائل حادث در جهان و جوامع امروز، خودبه‌خود حقوق انسان را محدود می‌کند. الزامات جامعه بین‌المللی نیز ممکن حق را محدود سازد. از مجموع اسناد و کنوانسیون‌های مطرح در مورد حقوق بشر، می‌توان گفت محدودیت در حق می‌تواند با استناد به دلایل زیر باشد؛ برای تأمین و حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران، برای تحقق عادلانه مقتضیات اخلاقی در یک جامعه دموکراتیک، برای تحقق عادلانه مستلزمات نظم عمومی در جامعه دموکراتیک، برای تحقق عادلانه موجبات رفاه عمومی در جامعه دموکراتیک» (فلچر، ۱۹۹۸: ۲۰۷) «قانونگذار نمی‌تواند اولویت را به یکی از منافع عمومی یا حقوق فردی واگذار کند و بلکه در تعارض این دو، باید توازن را رعایت کند و به هر کدام از آنها به اندازه‌ای که ضروری است، توجه نماید و برتری دادن به یکی از آنها اشتباه است» (دورکین، ۱۹۸۷: ۱۹۸).

که حتماً برای فرار مالیاتی ضمانت اجرای کیفری و مجازات در نظر بگیرد و بر حجم قوانین کیفری بیفزاید. این توقع از سوی تمامی ارکان و نهادهای جامعه وجود دارد، سازمان گمرک، وزارت بهداشت، وزارت راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی و غیره از مقنن توقع دارند تا کار را برای آنها آسان نموده و برای نقض مقرات آن‌ها ضمانت اجرای کیفری در نظر بگیرد، نتیجه چنین انتظار و توقعی این است که راه‌ها و شیوه‌های فنی و اختصاصی هر حوزه تقنینی که کیفری نیستند، به کنار گذاشته شوند. این چالشی است که در حال حاضر قانونگذار ایران با آن روبه‌رو است و رویه و روش برخورد مقنن با این مسأله به نحوی بوده است که چنین توقعی را ایجاد کرده است.

۲-۵- سو استفاده از ضمانت اجرای کیفری در امور با ماهیت غیر کیفری

در اموری که ماهیت حقوقی دارند و ذات آنها کیفری نیست، اگر جرم‌انگاری شود که به نظر نگارنده این نوع جرم‌انگاری منجر به تورم کیفری تقنینی می‌شود، از این ضمانت اجرای غیرواقعی و مصنوعی سو استفاده می‌شود. شاهد این هستیم که استفاده از ضمانت اجرای کیفری در امور با ماهیت غیر کیفری، زمینه را برای سو استفاده از این امکان کیفری فراهم نموده است. درحالی که فلسفه وجودی این جرم‌انگاری‌ها، کاهش نقض قوانین و مقررات است، لیکن در عمل بسیاری از سودجویان از این امکان قانونی بهره برده و از ضمانت اجرای کیفری سو استفاده می‌کنند که به یک چالش مهم برای نظام قضایی کشور و مردم تبدیل شده است. نمونه بارز این مسأله در ربا می‌توان مشاهده کرد. شخص رباخوار با گرفتن چک‌هایی که واجد وصف کیفری هستند، در عمل از این امکان قانونی برای رباخواری استفاده می‌کند. نمونه دیگر آن در قانون پیش فروش ساختمان است. که معضلات جدی را برای برخی از اشخاص و دستگاه قضایی ایجاد کرده است.

ماده ۲۳ قانون پیش فروش ساختمان، قوی‌ترین ضمانت اجرا را برای هدایت پیش فروشنده به طرف تنظیم سند رسمی قرارداد پیش فروش در نظر گرفته است؛ چرا که برای

اگر امروزه در برخی از قوانین جزایی، بعضی اعمال جرم‌زدایی شده‌اند و در زمانی دیگر، جرم بوده است، کدام یک، سیری عادلانه را پیموده‌اند؟ آیا عدالت مفهومی است که در حوزه بحث‌های افکار عمومی جامعه معنا و مصداق می‌یابد و یا این که معیاری است که از ورای جامعه، تبیین و تعیین می‌گردد؟ جرم‌انگاری‌های غیر ضروری بساط عدالت را از یک جامعه بر می‌چیند.

۲-۴- بی‌اثر شدن راه حل‌های خارج از حقوق کیفری

این یک واقعیت است که تمام حقوق، حقوق کیفری نیست و یا حداقل اینکه بهترین و مناسب‌ترین راه حل‌ها لزوماً شیوه‌های کیفری نیستند. در شرایط تورم کیفری که بلافاصله و به‌عنوان کوتاه‌ترین و سریع‌ترین راه ممکن، به شیوه‌های کیفری متوسل می‌شوند، نتیجه آن این است که راه حل‌های غیر کیفری کنار گذاشته می‌شوند و این یک چالش مهم برای جامعه است.

توسل به راه حل‌های حقوقی غیر کیفری هم در حقوق کیفری امکان پذیر است و هم اینکه به‌عنوان راه حل‌های اصلی در شعبات دیگر حقوق مطرح هستند. چنانچه به‌صورت نادرست و در مواردی که حقوق کیفری نباید دخالت کند، با دخالت بیجا و ایجاد تورم کیفری، راه حل کیفری را ارائه دهد، در نتیجه راه حل‌های دیگر را بی‌اثر و یا حداقل کم اثر می‌نماید. نمونه بارز چنین تأثیری را در صدور چک بلامحل می‌توان جستجو کرد. در حالیکه چک یک نهاد تجارتي است و ذاتاً بایستی از ضمانت اجرای موجود در این خصوص بهره ببرد، لیکن مقنن تحت شرایطی وصف کیفری به آن داده است. تصور کنید رسیدگی به جرم چک پرداخت نشدنی و یا بلامحل، چه حجمی از پرونده‌های کیفری را در دادگاه‌های ما مطرح کرده است و وجود این ضمانت اجرای کیفری تا چه میزان راه حل حقوقی را کم اثر کرده است. چالش مقنن این است که تقاضا برای جرم‌انگاری در غالب لایه و یا طرح از مقنن هر روز بیشتر می‌شود. به‌عنوان مثال: سازمان امور مالیاتی دوست دارد تا کسانی که مالیات نمی‌دهند، مجرم شناخته شوند، در حالیکه حقوق مالی راهکارهای مناسبی برای اخذ مالیات دارد و نبایستی مقنن را در این تنگنا قرار داد

موجود در این قانون، پیش فروشنده را تهدید و به‌نجوی از این امکان قانونی سواستفاده می‌کند در حالیکه از همان روز اول با شناخت شرایط به قرارداد تن داده است. به نظر می‌رسد که ورود بی‌مورد مقنن در این موارد و تعیین ضمانت اجرای کیفری که منجر به تورم قوانین کیفری شده است، زمینه را برای سو استفاده فراهم آورده است.

۲-۶- ایجاد دوگانگی در جامعه

یکی از چالش‌های مهم تورم کیفری تقنینی این است که برخی از قوانین کیفری درصدد ایجاد یک نوع همبستگی و یکنواختی در جامعه از طریق الزامات کیفری هستند. از آنجا که این همبستگی مصنوعی و ظاهری است، منجر به دوگانگی در جامعه می‌شود. زمانی که حکومت با توجه به وجدان عمومی جامعه، از طریق جرم دانستن برخی رفتارها به‌پشتیبانی از همبستگی اجتماعی و ارزشهای واحد و پذیرفته شده برمی‌خیزد، اقدام دولت تا حدودی عادی و طبق اصول است. مشکل زمانی بروز می‌کند که حکومتی بخواهد از طریق توسل به حقوق کیفری، درصدد ایجاد همبستگی و هم‌نوایی مورد پذیرش خود برآید. در این راستا برخی حاکمان حقوق کیفری را بهترین، در دسترس‌ترین، و مؤثرترین ابزار در خدمت تحمیل ارزشهای مورد قبول خود می‌دانند (هاتو، ۱۳۶۸: ۲۵).

«در قلمرو حقوق کیفری ایران نیز بسیاری از جرم‌انگاری‌ها بیش از هر چیز هم‌نوایی اجتماعی را دنبال می‌کنند. جرم‌انگاری‌هایی نظیر استفاده از لباسها و نشانه‌هایی که علامت مشخصه گروه‌های ضد اسلام و ضد انقلاب است در ملاعام و انظار عمومی، پوشیدن لباس و آرایش خلاف شرع در این راستا، قابل تحلیل است» (زینالی، ۱۳۸۷: ۳۰۸).

۲-۷- عمر کوتاه و گذرای قوانین کیفری و آزمایشی بودن آنها

چنانچه به مجموعه قوانین و مقررات کیفری مصوب توسط مجلس بعد از انقلاب اسلامی نگاهی بیندازیم، آنچه که بسیار مشهود است، تغییرات بسیار سریع و گذرای قوانین کیفری در قیاس با سایر قوانین در حوزه‌های دیگر می‌باشد. به‌عنوان

متخلفان مجازات کیفری نسبتاً سنگینی در نظر گرفته است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «اشخاصی که بدون تنظیم سند رسمی اقدام به پیش‌فروش ساختمان یا بدون اخذ مجوز اقدام به درج یا انتشار آگهی نمایند، به‌حسب از نود و یک روز تا یک سال یا جزا نقدی به‌میزان دو تا چهار برابر وجوه و اموال دریافتی محکوم می‌شوند. جرایم مذکور در این ماده تعقیب نمی‌شود مگر با شکایت شاکی خصوصی یا وزارت مسکن و شهرسازی و با گذشت شاکی، تعقیب یا اجراء آن موقوف می‌شود» (عبدالکریمی، ۱۳۹۶: ۴۴). از این رو بهتر آن بود که مقنن، پیش خریداری را نیز که عالملاً عمداً با توافق با پیش فروشنده از تکلیف قانونی مقرر خویش استنکاف می‌نماید بعنوان شریک در جرم قابل تعقیب می‌دانست؛ چرا که قانون در این زمینه جنبه آمره دارد. ولی برخلاف این نظر باید گفت کار قانونگذار بی‌حکمت نبوده است. قانون پیش فروش ساختمان در جهت حمایت از پیش خریدار است. واز طرف دیگر به نظر می‌رسد قانون چنین فرض کرده که با توجه به اینکه تنظیم قرارداد پیش فروش در قالب سند رسمی به خودی خود مزایای زیادی را برای پیش خریدار خواهد داشت. پس همین برای او بس است که به‌سند رسمی این قرارداد روی بیاورد و اگر هم احیاناً با سند عادی ساختمانی را پیش خرید کند احتمالاً از روی عدم اطلاع بوده و الا هیچ پیش خریداری حاضر به‌از دست دادن این مزایای سند رسمی قرارداد پیش فروش نخواهد بود؛ لذا پیش خریدار در صورت عدم اجرای این حکم قانونگذار، فی‌نفسه زیان خواهد کرد و دیگر نیازی به مجازات او نیست. در صورتی که وضعیت پیش فروشنده این گونه نیست؛ زیرا، اگر او قرارداد را به‌صورت سند رسمی تنظیم نکند سود خواهد برد و به‌همین علت ممکن است بخواهد از هر وسیله‌ای استفاده کند تا از زیر این تعهدات سنگین که قانون پیش فروش ساختمان بر دوش او گذارده شانه خالی کند. در نتیجه ضمانت اجرای کیفری می‌بایست فقط پیش فروشنده را در برگیرد که انگیزه قوی جهت فرار از این حکم قانون گذار یعنی عدم تنظیم سند رسمی دارد (موسوی، ۱۳۹۵: ۳۸).

جالب اینکه با بررسی دعاوی مطروحه در این خصوص متوجه می‌شویم که پیش خریداری که به‌بهر دلیل با پیش فروشنده به مشکل برمی‌خورد، بلافاصله با ضمانت اجرای کیفری

پیردازد و در آن تغییراتی ایجاد کند که خود این تغییرات افزودن بر حجم تورم کیفری و گرفتن وقت قوه مقننه است.

۲-۸- ایجاد تعارض در تقنین

یکی از چالش‌های مهم قضازدایی از جمله در جرایم خرد، تعارض در تقنین است. «لزوم تدوین قوانین مناسب و منطقی و هماهنگ و همسو با ساختارهای متفاوت جامعه، از نیازهای مهم و ضروری مخاطبان قانون به‌شمار می‌رود. این موضوع به ویژه زمانی خود را بیشتر نشان می‌دهد که موقعیت و سطح فرهنگی جامعه و شرایط زمانی و مکانی آن متحول شده و اوضاع و احوال جدیدی بر آن حاکم شده است. بدین لحاظ آنچه در این میان مهم و در توجه می‌باشد، تدوین قوانین متناسب با این تغییرات جهت پاسخگویی به نیازهای فعلی و داشتن قابلیت اجرایی، برای دراز مدت است. پر واضح است که تغییر مداوم و پی درپی قوانین، بدون توجه وضعیت و موقعیت بستر و قلمرو اجرایی آن، علاوه بر سردرگمی مخاطبان، لطمات جبران ناپذیری را به‌اعتبار و احترام خود قانون وارد می‌کند و گاهی اوقات موجب ایجاد تعارضات و ناهماهنگی در قوانین موجود می‌شود» (قیاسی و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

«سیاست جنایی تقنینی ایران، نه‌تنها فرآیند یکسانی ندارد، بلکه دچار نوعی بی‌نظمی است و آموزه‌ها و تفکرات مجزایی بر آن حاکم بوده است که در تبیین اصول راهبردی نظام عدالت کیفری به دلیل منطبق نبودن با نظام علمی و عملی سابق و آغاز شیوه آزمون‌وخطا ناتوان نشان داده‌شده است. درواقع، دگرگونی نظام سیاسی در ایران، تغییرات زیادی را در نهادهای مختلف جامعه به‌وجود آورد. استقرار نظام اسلامی که با تغییر سیاق حاکمیت و ایدئولوژی همراه بوده، تحول عمیق در سیاست جنایی را در ابعاد مختلف باعث شده است، از جمله دگرگونی ارزش‌های سابق، تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی، تحول نهادها و مراجع قضایی، نسخ اکثر قوانین گذشته، از برخی از پیامدهای مؤثر بر سیاست جنایی ایران بوده است» (حسینی، ۱۳۹۴: ۳۰).

«عجله مقنن جدید، فرصت تأمل و شناخت نیاز و رعایت مصلحت در قانون را نداده است؛ و حساسیت قانون‌گذاری بر

نمونه در حالیکه قانون مجازات اسلامی بعد از انقلاب در سال ۱۳۶۲، ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ سه بار مورد تقنین قرار گرفته است، لیکن عمر برخی از قوانین دیگر در حوزه دیگر به حدود ۹۰ سال در ایران می‌رسد. تغییرات بسیار گسترده و با سیاست‌های کاملاً متفاوت مقنن در حوزه برخی از جرم‌انگاری‌ها، وضعیت بسیار بدتری را دارد. کافی است تا تغییرات قانونی را در مورد جرم صدور چک بلامحل مورد بررسی قرار دهیم تا این موضوع برای ما روشن شود. در حالیکه قانونگذار، به دلیل نداشتن وقت کافی برای بررسی لوایح مرتبط با امور کیفری، بررسی و تصویب آنها را برای مدت آزمایشی در موارد متعددی به کمیسیون‌های تخصصی واگذار کرده است، اختصاص وقت توسط همین مقنن برای تصویب قوانین مختلف کیفری در حوزه‌های مختلف که از روی ناچاری صورت گرفته است، به یک معضل و چالش اصلی برای مقنن تبدیل شده است. تغییرات سریع و گذرای قوانین کیفری، علاوه بر اینکه وقت مقنن را می‌گیرد، از طرف دیگر موجب سردرگمی قضات، دست‌اندرکاران امر قضا و تمامی مردم می‌شود. همه اینها ریشه در این موضوع دارد که در موارد متعددی، جرم‌انگاری بر مبنای یک سیاست جنایی مشخص و هدفمند صورت نگرفته است و بعد از مدتی مجبور با تقنین جدید در همان حوزه گردیده است.

یکی از نمودهای بارز تغییرات سریع و گذاری قوانین، قوانین کیفری هستند که در راستای عوام فریب وضع گردیده است. در مواردی و برای ساکت نگه داشتن افکار عمومی به‌راه حل‌های کیفری متوسل می‌شوند. در این گونه موارد و در صورت تحقق خواسته سیاستمداران، دخالت حقوق کیفری امری پسندیده تلقی شده که در نتیجه تورم کیفری را توجیه می‌کند. اندیشه «عوام‌گرایی کیفری» باعث می‌شود تا با وضع یک قانون موقتی و گذرا توجه افکار عمومی را جلب کرده، بدون اینکه به دنبال راه حل دراز مدت و اساسی برای حل مسأله باشند. به‌عنوان مثال در حالیکه مشکل اصلی مسکن جنبه اقتصادی دارد، با جرم‌انگاری برخی از مولفه‌های آن مثل پیش فروش، درصد انحراف افکار عمومی بوده و فقط به‌تورم کیفری قوانین افزوده است. چنین قوانینی عمری کوتاه و گذرا دارند و مقنن مجبور است چند سال بعد مجدداً به‌بررسی آن

در نقطه مقابل بند ۷ ماده ۲۷۲ آ.د.ک اینگونه بیان می‌کند: «در صورتیکه قانون لاحق مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد، که در این صورت پس از اعاده دادرسی مجازات جدید نباید از مجازات قبلی شدیدتر باشد» این بند عیناً تکرار بند ۲ ماده ۱۱ می‌باشد، ولی یک تفاوت فاحش بین این دو وجود دارد و آن اینکه، بند ۷ ماده ۲۷۲ برخلاف بند ۲ ماده ۱۱ حق اعاده دادرسی را برای محکوم علیه جهت تخفیف در نظر گرفته است.

نتیجه‌گیری

تورم قوانین کیفری، نوعی جرم‌انگاری متعدد قانونگذار است، به‌گونه‌ای که افزایش بی‌رویه آن موجب عدم کارایی آن گردد. همانطور که در اقتصاد افزایش بی‌رویه پول موجب بالا رفتن سطح عمومی قیمت و در نتیجه ناکارآمدی اقتصادی می‌گردد، تورم قوانین کیفری، موجب ناکارآمدی قوانین کیفری می‌گردد. از این رو ناگفته پیداست که در ورای تورم قوانین کیفری و افزایش غیر ضروری عناوین مجرمانه، نوعی معضلات اجتماعی نیز به‌وجود می‌آید. منظور از تورم کیفری تقنینی این است که رفتارهای متعدد و متنوعی توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شود. تورم کیفری تقنینی در واقع همان جرم‌انگاری بیش از حد است. هرچه تعداد رفتارهای جرم‌انگاری شده در یک نظام حقوق کیفری بیشتر باشد، شاهد تورم کیفری قوانین در آن کشور هستیم. آمار فزاینده جرایم در عرصه‌های مختلف اعم از اقتصادی، راهنمایی و رانندگی، زیست محیطی و غیره از نشانه‌های تورم تقنینی کیفری هستند. امروزه کمتر مقوله‌ای از حقوق را می‌توانیم بیابیم که حقوق کیفری در مقام تقنین به آن ورود پیدا نکرده باشد و جرم‌انگاری در آن صورت نگرفته باشد. حقوق قراردادهای به‌عنوان مصداق بارز حقوق خصوصی، امروز بر اثر جرم‌انگاری وارد حوزه حقوق کیفری شده است. تورم کیفری تقنینی به‌مراحل دیگر نیز سرایت کرده و منجر به تورم کیفری قضایی و تورم جمعیت کیفری نیز خواهد شد. قانونگذار برای جرم‌انگاری بایستی اصولی را رعایت کند. در صورت عدم رعایت اصول لازم برای جرم‌انگاری، برخلاف آنچه تصور می‌شود، کار مقنن خاتمه یافته نیافته است. یک قانون مبتنی بر جرم‌انگاری نادرست، بازخوردهای بعدی برای

عده مقنن به‌اندازه‌ای زیاد است که نتیجه آن تصویب چندین قانون جزایی و صدها عنوان مجرمانه به‌ادبیات قضایی کشور است. این اقدام، سیاست جنایی ایران را با نوعی گم‌گشتگی، انحراف، بی‌هدفی، ابهام و ناکارآمدی روبه‌رو کرده است و از طرفی قضات و دستگاه‌های مجری قانون را با تعارض و سردرگمی روبه‌رو کرده و به‌علاوه بسیاری از اندیشمندان علوم کیفری سیاست جنایی اساساً باید نقش اصلاحی، بازدارندگی و تعدیل نرخ تبهکاری را ایفا کنند، اما در عمل، پیچیدگی وقایع بیش‌تر آشکار می‌شود. در خصوص سیاست جنایی ایران نیز این سؤال به‌ذهن می‌رسد که آیا سیاست جنایی فعلی، خود به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم عامل تبهکاری و افزایش جرم است؟ به‌عقیده نجفی‌توانا، سیاست جنایی ایران در وضعیت کنونی در کنترل و مهار پدیده بزهکاری ناتوان است و پیامدهای منفی آن خسارات جبران‌ناپذیری را بر جامعه وارد ساخته است» (نجفی‌توانا، ۱۳۸۶: ۱۰).

در خصوص تعارض در تقنین می‌توان به یک نمونه اشاره کرد: تعارض بند ۲ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی با بند ۷ ماده ۲۷۲ آیین دادرسی کیفری بند ۲ ماده ۱۱ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم علیه می‌تواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در این‌صورت دادگاه صادر کننده حکم و یا دادگاه جانشین با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد». «این بند در قانون مجازات عمومی سابق در قالب ماده ۶ بیان شده بود، و اخف بودن مجازات قانون لاحق حق درخواست اعاده دادرسی را به محکوم علیه می‌داد، تا در خصوص مجازات حکم قبلی از این طریق تقاضای تخفیف کند. در حالیکه بند ۲ ماده ۱۱ فعلی این موضوع را نسخ کرده و صرف تقدیم درخواست را برای تخفیف کافی می‌داند» (میلکی، ۱۳۸۳: ۵۰). البته تخفیف مندرج در این بند با بحث تخفیف قضایی ماده ۲۲ ق.م.ا (که مرتبط با اوضاع و احوال قبل از صدور حکم است) متفاوت بوده و برخلاف آن مربوط به تغییرات قانونی پس از صدور حکم قطعی است.

منابع

الف. منابع فارسی

- خود مقنن خواهد داشت. زمانی که یک جرم‌انگاری نادرست و غیر اصولی صورت می‌پذیرد، از آنجا که چنین قانونی نمی‌تواند معضلات و مشکلات جامعه را حل کند، مقنن بایستی در فرصتی نه چندان دور، مجدداً مبادرت به تغییر یا اصلاح همان قانون نماید. لازم است در قوانین و ساختار قضایی کشور تغییراتی در راستای مشارکت بیشتر مردم صورت گیرد. مشارکت عمومی در حل و فصل دعاوی ضرورت دارد. بدین روی بسیاری از دولت‌ها سعی کرده‌اند با استفاده از مطالعات علمی روش‌های تازه‌ای را در سیستم حقوقی خود به وجود آورند. استفاده از برنامه‌های جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی از جمله این روش‌ها محسوب می‌گردند. در قضازدایی که از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. هدف این است که به‌جای توسل به دستگاه رسمی عدالت کیفری و دادگستری و استفاده از قضاوت حرفه‌ای در حل و فصل دعاوی و رسیدگی به تخلفات و جرایم، این وظایف به عهده سایر سازمان‌های مدنی و اجتماعی و شوراهای مردمی گذاشته شود.
- ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.
- تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.
- سهم نویسندگان:** فرج‌اله دولت‌شاهی نژاد: جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله سمیرا گلخندان: ارائه ایده و موضوع. محمدحسین رجبیه: معرفی منابع. کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند
- تشکر و قدردانی:** لازم است از اساتید گرامی که در تدوین و ارائه انتقادات باعث غنای مقاله شدند، قدردانی نمایم.
- تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و همکاران (۱۳۸۰). «تورم کیفری (عوامل و پیامدها)». فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۵(۲۱): ۵۹-۷۸.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۴). *سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه تهران و سمت.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۴). *سیاست جنایی در اسلام*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دلماس مارتی، می‌ری (۱۳۹۳). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- راسخ، محمد (۱۳۸۷). *حق و مصلحت (مقالاتی در فلسفه حقوق - فلسفه حق و فلسفه ارزش)*. چاپ سوم، تهران: انتشارات طرح نو.
- راسخ، محمد (۱۳۸۸). «نظریه حق». فصلنامه *باروری و ناباروری*، ۴: ۲۹۹-۳۱۶.
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۷). *ارزیابی مبانی نظری مداخله کیفری قانون‌گذار ایرانی در حوزه فرهنگ و چالش‌های فراروی آن (مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی)*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۸۹). «نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه». فصلنامه *مطالعات راهبردی*، ۱۳(۴): ۸۵-۱۱۷.
- سماواتی‌پیروز، امیر و عباسی، محمود (۱۳۸۸). «تحقق مصلحت (از مبانی فقهی تا بایسته‌های کیفری)». نشریه *حقوق و مصلحت*، ۱(۳): ۵۳-۶۱.
- عبدالفتاح، عزت (۱۳۸۱). «جرم چیست و معیارهای جرم‌انگاری کدام است؟». ترجمه اسماعیل رحیمی‌نژاد، مجله *حقوقی دادگستری*، ۶۶(۴۱): ۱۳۵-۱۶۰.

- میلکی، ایوب (۱۳۸۳). «ارزیابی کیفر شناختی شلاق در حقوق ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، بابلسر: دانشگاه مازندران.

- میلکی، ایوب (۱۳۸۵). «حقوق جزای جدید: حبس‌زدایی خردگرا؛ خروج از بحران تورم کیفری». مجله اصلاح و تربیت، ۵۴: ۲۱-۲۵.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸). تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها). چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). زندان - درمانگاه بزهکار و بزهکاران؟ (دیباچه در برنار بولک - کیفرشناسی). ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.

- نجفی‌توانا، علی (۱۳۸۶). «تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران». مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۸ (۱): ۲۲۳-۲۷۸.

- نوبهار، رحیم (۱۳۹۰). اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، مجله: آموزه‌های حقوق کیفری، ۸ (۱): ۹۱-۱۱۴.

- نوربها، رضا (۱۳۹۷). نگاهی به قانون مجازات اسلامی. چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر.

- هاتو، تسینچه (۱۳۶۸). «تحول سیاست جزایی در چین کمونیست». ترجمه مصطفی رحیمی، مجله کانون وکلای دادگستری، ۹۵ (۱۴۶-۱۴۷): ۲۵-۹۵.

- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

ب. منابع لاتین

- Dworkin, J (1998). *The Oxford Handbook of Philosophy of Criminal law*, 1st ed., New York: Oxford University Press.

- عبدالکریمی، هیوا (۱۳۹۶). پیش‌فروش ساختمان در نظام حقوقی ایران، چاپ اول، تهران: نشر داد و دانش.

- فلاحی، احمد (۱۳۹۳). اصل ضرورت در جرم‌نگاری. چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

- قاضی‌شریعت‌پناهی، سیدابوالفضل (۱۳۸۰). حقوق اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران. چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.

- قناد، فاطمه و اکبری، مسعود (۱۳۹۶). «امنیت‌گرایی سیاست جنایی». پژوهش حقوق کیفری، ۵ (۱۸): ۳۹-۶۷.

- قیاسی، جلال‌الدین؛ دهقان، حمید و خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۰). مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه). چاپ اول، قم: نشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

- کلاتری، کیومرث (۱۳۸۱). «تحلیل بحران در حقوق موضوعه کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن». رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی به راهنمایی استاد محمدجعفر حبیب زاده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸). حقوق کیفری تطبیقی، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. جلد اول، دوم و سوم، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات میزان.

- مهرپور، حسین (۱۳۷۴). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات روزنامه اطلاعات.

- موسوی، سیدایمان (۱۳۹۵). نگاهی نو با تحلیلی فقهی و حقوقی قراردادهای پیش‌فروش ساختمان (بر مبنای قانون پیش‌فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹ و آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۹۳). چاپ اول، اهواز: نشر آیات.

- مونتسکیو، شارل دوسکندو (۱۳۹۴). روح القوانين، ترجمه علی اکبرمهدتی، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- Dworkin, R (1998). *Taking Rights Seriously*. 1st ed., Harvard: Harvard University Press.
- Fletcher, P (1998). *Basic Concepts of Criminal Law*. 1st ed., New York: Oxford University Press.
- Jareborg, N(2009). "Criminalization as Last Resort (Ultima Ratio)". *Ohio State Journal of Criminal Law*, No.23.

